

بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات‌ها

رویا سیفی‌پور^۱

محمدقاسم رضایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۱۶

چکیده

از مهمترین وظایف اقتصادی دولت‌ها، کنترل وضعیت نابرابری درآمد است، به این ترتیب دولت‌ها باید به منظور کاهش نابرابری، چگونگی تغییرات درآمدهای افراد جامعه را با استفاده از ابزارهای موجود، تجزیه و تحلیل کنند. عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاستهای پولی و مالی بر تغییرات توزیع درآمد جامعه در طول زمان مؤثر است. عواملی مانند سیاستهای مالیاتی، مخارج دولت، نوع درآمد، تبعیض قیمت‌ها، کمکهای انتقالی دولت، حداقل دستمزد، نرخ بیکاری، تسهیلات مالی برای افراد کم درآمد و غیره می‌توانند به نحوی تنظیم شوند که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان و گاه برعکس شود. مالیات علاوه بر آنکه از مهمترین منابع تأمین مخارج دولت است، یکی از ابزارهای سیاستی مؤثر در برقراری ثبات اقتصادی، تخصیص مجدد منابع اقتصادی و تعدیل نابرابری درآمد است. لذا هدف از این مقاله به طور خاص، بررسی اثر سیستم مالیاتی بر توزیع درآمد است و در کنار بررسی اثر مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، عواملی همچون نرخ بیکاری و حداقل دستمزد نیز مورد توجه قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که با افزایش مالیاتهای مستقیم و سطح حداقل دستمزد، کاهش مالیاتهای غیرمستقیم و نرخ بیکاری، توزیع درآمد بهبود می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: مالیات مستقیم، مالیات غیرمستقیم، توزیع درآمد، اقتصاد سنجی.

۱- استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و عضو انجمن حمل و

نقل ریلی ایران

۲- کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی و پژوهشگر دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی

۱- مقدمه

توزیع نابرابر درآمد و ثروت در جامعه سبب بروز مشکلات بسیاری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور خواهد شد. از اینرو یکی از وظایف اقتصادی دولت، توزیع مناسب درآمد و ثروت است. سیاست‌های مالی دولت قطعاً می‌تواند در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد مؤثر باشد. به عبارت دیگر، دولت می‌تواند به نحوی توزیع مجدد درآمدها را تنظیم نماید که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود یعنی فاصله طبقاتی درآمد بین گروه‌های مختلف جامعه کاهش یابد. این سیاست‌ها می‌تواند از طریق اعمال مالیات‌ها یا برقراری مخارج انتقالی دولت مثل سوبسیدها (مالیات‌های منفی)، کمک‌های بلاعوض و یا افزایش تسهیلات مالی برای افراد کم درآمد باشد. حال این سوال مطرح است که در سیستم مالیاتی، اعمال چه نوع مالیاتی از نوع مستقیم و یا غیرمستقیم، بر توزیع مجدد درآمد مؤثر است؟ بنابراین هدف از این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر توزیع مجدد درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات‌ها خواهد بود.

قسمت‌های مختلف این مقاله به شرح زیر است: بخش اول به بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد می‌پردازد. بخش دوم به مطالعات انجام شده در این زمینه در داخل و خارج ایران اختصاص دارد. بخش سوم روند مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم در اقتصاد ایران و نیز برخی از خصوصیات نظام مالیاتی ایران را بررسی می‌نماید. بخش چهارم به بررسی تجربی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد با استفاده از تکنیک هم‌جمعی جوهانسون و جوسیلیوس می‌پردازد. در نهایت، بخش پایانی به نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی اختصاص دارد.

۲- ادبیات موضوع

از مباحث اقتصادی که نظر بسیاری از اقتصاددانان و دولتمردان را به خود معطوف کرده است توزیع مجدد درآمد و عوامل مؤثر بر آن است. توزیع مجدد درآمد از طریق اعمال سیاست‌های مالیاتی، پرداخت‌های انتقالی دولت و هزینه‌های اجتماعی قابل دسترس است که در قسمت زیر به بررسی اجمالی هر یک از آن‌ها می‌پردازیم. توزیع مجدد درآمد از طریق پرداخت‌های انتقالی دولت مانند برنامه‌های تأمین اجتماعی و یا سرمایه‌گذاری در خدمات اجتماعی مانند سیستم آموزش و پرورش، بهداشت و ... قابل حصول است. هرچند اعمال سیاست‌های مالیاتی و پرداخت‌های انتقالی دولت نسبت به ارائه کالاهای

خدمات عمومی اثرات سریع تری بر توزیع درآمد دارد، لیکن سرمایه گذاری در امور اجتماعی اثرات بلند مدت تر و ماندگارتری بر توزیع درآمد خواهد داشت.

با توجه به آنکه هدف از این مقاله بررسی اثر سیاستهای مالیاتی بر توزیع درآمد است، لذا در این قسمت بیشتر به ارتباط بین مالیات و توزیع درآمد پرداخته می شود. اتخاذ سیاستهای مالیاتی در اقتصاد می تواند کارکردهای متفاوتی داشته باشد؛ از یک طرف منبع درآمد دولت و از طرف دیگر سیاستی جهت تصحیح خطای بازار است و کارکرد سوم که بیشتر هدف این مقاله است ابزاری جهت بهبود توزیع درآمد است. ماسگریو (۱۹۵۹) بیان می کند که مالیات در اقتصاد نقش های متفاوتی را ایفا می کند: تثبیت، تخصیص و توزیع درآمد. تثبیت به وظیفه دولت در تحریک فعالیتهای اقتصادی و مصرف اشاره دارد. تخصیص به ایجاد کالاها و خدمات عمومی و توزیع درآمد از طریق انتقال درآمد از افراد ثروتمند به فقیر برای داشتن جامعه برابرتر اشاره می کند. اثر مالیات بر توزیع درآمد به نوع سیستم مالیاتی اتخاذ شده در اقتصاد از لحاظ مستقیم و غیرمستقیم بودن مالیاتها بستگی دارد. در اغلب کشورها مالیات مستقیم شامل مالیات بر درآمد اشخاص، ثروت و شرکتها است. مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی به صورت نرخهای تصاعدی بر درآمد مؤثر پس از سطوح معاف شده معین اعمال می شود. در صورت نبود فرار مالیاتی، این نوع مالیات در جهت هدف توزیع مجدد درآمد است و با اصل توان پرداخت مطابقت دارد. مالیات بر ثروت نسبت به ثروت تجمعی افراد اعمال می شود و وجه تصاعدی مالیاتها را به ویژه در گروههای درآمدی بالا افزایش می دهد. لذا مالیات بر ثروت خالص همراه با مالیات بر درآمد موجب توزیع بهتر مالیاتها با توجه به توان پرداخت افراد می شود. علاوه براین، مالیات بر ثروت خالص از طریق توزیع مجدد ثروت، جلوگیری از تصاعدی شدن آن و تشویق استفاده مؤثر از دارائیها، می تواند به صورت ابزار مفیدی با هدف انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بکار رود. اثر مالیات بر شرکتها بر توزیع درآمد، U شکل است یعنی برای شرکتهای بزرگ و کوچک مخرب و برای شرکتهای با اندازه متوسط موجب بهبود توزیع درآمد می شود. در مقابل مالیاتهای غیرمستقیم اثرات مخربی بر توزیع درآمد دارد زیرا در ساده ترین شکل آن، نرخ واحد برای تمامی معاملات مشمول مالیات در نظر گرفته می شود و از آنجایی که میل نهایی افراد کم درآمد به مصرف کالاها و خدمات بیشتر از افراد پردرآمد است، سبب بدتر شدن توزیع درآمد خواهد شد. از نقطه نظر توزیع درآمد، یک راه ساده برای افزایش کارایی مالیاتهای غیرمستقیم، آن است که نرخهای متفاوت مالیات بر روی کالاهای مورد مصرف افراد کم درآمد و

پردرآمد تعیین شود. به عنوان مثال در سیستم مالیات بر ارزش افزوده می‌توان نرخ مالیات کالاهایی را که بخش بزرگی از درآمد خانوارهای کم درآمد را به خود اختصاص می‌دهد مثل مواد غذایی را حذف و یا کاهش داد و نرخ مالیات کالاهای لوکس که بیشتر توسط افراد پردرآمد مصرف می‌شود را افزایش داد.

۳- مروری بر مطالعات تجربی

۳-۱- مطالعات انجام گرفته در خارج

ادواردوانگل(-) در مطالعه‌ای به بررسی اثر مستقیم مالیات‌ها و تغییر در ساختار مالیات‌ها بر روی توزیع درآمد در کشور شیلی می‌پردازد. نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که مالیات‌ها تأثیر چندانی بر روی توزیع درآمد نداشته است (ضریب جینی قبل از مالیات ۴۸٪ و بعد از مالیات ۴۹٪ است). به علاوه تعدیل بنیادی در ساختار مالیات‌ها از قبیل افزایش مالیات بر ارزش افزوده از ۱۸٪ به ۲۵٪، همچنین تغییر مالیات تصاعدی درآمد به مالیات یکجای ۲۰ درصدی، تغییر بسیار اندکی بر روی توزیع درآمد گذاشته است.

مهران (۱۹۷۵) اثر توزیعی مالیات‌ها را براساس تحلیل‌های رایج اصابت مالیاتی مورد بررسی قرار داده و در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده که مالیات‌بندی در ایران، تأثیر متعادل کننده‌ای بر توزیع درآمد نداشته است زیرا که توزیع متوسط نرخ‌های موثر مالیاتی به شکل «U» است و حداکثر پرداخت مالیاتی متعلق به دهک‌های اول، دوم، نهم و دهم است در حالی که کمترین نرخ‌ها مربوط به دهک‌های چهارم تا هفتم است.

رایت (۱۹۹۵) در تحقیق خود تأثیر رشد اقتصادی را بر روی سیاست‌های اقتصادی (از جمله اصلاحات مالیاتی که منجر به توزیع مجدد درآمد می‌شوند) مورد بررسی قرار می‌دهد. وی در تحقیق خود به این نکته اشاره می‌کند که میزان اعمال سیاست‌های باز توزیعی درآمد در کشورهای با رشد سریع، به درجه ریسک‌گریزی این کشورها بستگی دارد.

پالم (۱۹۹۶) در مطالعه خود تحت عنوان «اثر اصلاحات مالیاتی بر روی توزیع درآمد»، تأثیر اصلاحات مالیاتی سوئد در سال ۱۹۹۱ را روی ضریب جینی بررسی نموده است. او با بررسی دو مقطع قبل و بعد از اصلاحات مالیاتی، به این نتیجه رسیده است که اصلاحات مالیاتی منجر به متعادل تر شدن توزیع درآمد می‌شود.

حمیدی، چو و گوپتا (۲۰۰۰) در مقاله‌ای، توزیع درآمد و مالیات در کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال گذار را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که در کشورهای در حال توسعه، توزیع درآمد قبل از مالیات، نسبت به کشورهای صنعتی برابرتر است. هر چند برخلاف کشورهای صنعتی، کشورهای در حال توسعه در کل، قادر نیستند با استفاده از مالیات و سیاستهای انتقالی، نابرابری درآمد را کاهش دهند.

اریک برگ و راتسو (۲۰۰۱) در مقاله‌ای اهمیت ساختار مالیات بر توزیع درآمد را مورد بررسی قرار می‌دهند. آنان در یک مطالعه اقتصادی ساختار مالیات در یک دولت محلی در نروژ را مورد مطالعه قرار دادند و اثر توزیعی مالیات بر مصرف و مالیات بر ثروت را بررسی کردند. نتایج مطالعه آنها نشان داد با وجودی که مالیات بر مصرف حجم زیادی از مالیات را شامل می‌شود، لیکن مالیات بر ثروت، اثر توزیعی بیشتری دارد.

توزیع مجدد و سیاست مالی، تحقیق دیگری از رامیرز (۲۰۰۲) است که به بررسی رفتار مطلوب یک دولت جهت استفاده از سیاستهای مالی برای توزیع مجدد درآمد می‌پردازد. در این مقاله با استفاده از یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی، از یک طرف تفاوت‌های اثر اختلالات دائمی و غیر دائمی بهینه مالیات و از طرف دیگر رابطه بین نابرابری اولیه و وضع مالیات بر توزیع درآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد و نتایج آن نشان می‌دهد که میزان نابرابری اولیه تأثیر زیادی روی اثر وضع مالیات بر توزیع درآمد می‌گذارد و همچنین نرخ مالیات بر نابرابری توزیع درآمد تأثیر می‌گذارد.

داموری و پردانا (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای تأثیر سیاست مالی بر روی توزیع درآمد و فقر را در کشور اندونزی بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد سیاست انبساطی مالی به طور معناداری بر توزیع درآمد مؤثر بوده است، اما اساساً این سیاست در اندونزی به نفع خانواده‌های شهری است نه خانواده‌های روستایی و به طور کلی به نفع طبقه ثروتمند جامعه بوده است.

برد (۲۰۰۵) در مقاله‌ای به بررسی نقش محدود مالیات بر درآمد اشخاص در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد. برد در این مقاله درصدد بررسی این مساله است که آیا می‌توان با استفاده از مالیات بر درآمد، به بهبود توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه امید داشت؟ به اعتقاد وی در این کشورها مالیات بر درآمد ناقص و غیرتصادفی است و هزینه‌های اجرایی و سیاسی اجرای سیستم مالیات

تصادفی بالا است، بنابراین نمی‌توان از این سیستم برای بهبود توزیع درآمد استفاده کرد. وی تقویت مالیات بر مصرف و سیاستهای هزینه‌ای در جهت تأمین منافع فقرا را از روشهای جایگزین جهت کاهش فقر و نابرابری معرفی می‌کند.

۳-۲- مطالعات انجام گرفته در ایران

پروین (۱۳۶۸) در رساله دکتری خود به بررسی زمینه‌های اقتصادی فقر در ایران پرداخته است. بخشی از این رساله، آثار باز توزیعی مالیاتها را در قالب ۸ گزینه با توجه به ضریب جینی مورد بررسی قرار داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سیستم مالیاتی ایران به دلیل ویژگی ساختاری، عدم کارایی آن و سهم بالای مالیات غیرمستقیم، اثرات منفی بر توزیع درآمد دارد، یعنی با فرض قابلیت انتقال مالیات به مصرف کنندگان، طبقات پایین سهم بیشتری از درآمد را به مالیات اختصاص داده اند.

از دیگر کارهای صورت گرفته، تحلیلی بر ترکیب مالیاتها و برآورد ظرفیت مالیاتی ایران است که توسط کمیجانی و فهمیم یحیایی (۱۳۷۰) انجام شده است. این مقاله با نظری کلی بر روند ترکیب مالیاتها و وصول آن برحسب مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم طی سالهای ۶۸-۱۳۵۰، نشان می‌دهد که این ترکیب در این سالها جهت‌گیری خاصی نداشته و اساساً نظام مالیاتی ایران در این سالها، در رابطه با بهبود توزیع درآمد و ثروت جهت‌دار عمل نکرده است.

تحقیق دیگری که در این زمینه انجام گرفته است، پایان نامه ناصری گل‌گذاری (۱۳۷۴) تحت عنوان نقش مالیات در توزیع درآمد می‌باشد. نگارنده در این تحقیق، مالیاتها را یکی از سالمترین و بهترین ابزارهای مالی معرفی می‌کند که دولت می‌تواند از طریق آنها در جهت تعدیل توزیع درآمد، گامهای اساسی را بردارد. آنچه در این پایان نامه مورد بررسی قرار می‌گیرد رابطه انواع مالیاتها با انواع شاخصهای نابرابری می‌باشد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مالیات می‌تواند شاخصهای نابرابری توزیع درآمد را بهبود بخشد. رابطه ضریب جینی و سهم ۲۰ درصد خانوارهای با درآمد بالا، با کل مالیات مستقیم و غیرمستقیم معکوس است. رابطه سهم ۴۰٪ خانوارهای با درآمد متوسط و پایین با مالیاتهای مستقیم مثبت است. اثر مالیات بر درآمد و مالیات بر مصرف روی ضریب جینی معکوس و اثر مالیات بر شرکتها بر روی ضریب جینی مثبت است.

قره باغیان و پروین (۱۳۷۵) در مقاله‌ای به آثار توزیعی مالیات در ایران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاضر حاکی از تصویر ضعیف سیستم مالیاتی در رابطه با تأمین هزینه‌های سرمایه‌ای دولت و نیز تعدیل نابرابری درآمد در اقتصاد ایران است. این مقاله با محاسبه بار مالیاتی در گروه‌های هزینه، (طی هشت گزینه مختلف) و مقایسه درآمد گروه‌های هزینه قبل و بعد از پرداخت مالیات، به این نتیجه رسیده که سیستم مالیاتی در رابطه با تأمین هزینه‌های سرمایه‌ای ایران و نیز بهبود توزیع درآمد ضعیف عمل کرده است. نویسندگان معتقدند این بحث که در شرایط شدید نابرابری توزیع بتوان با دریافت مالیات از طبقات پر درآمد، وضعیت طبقات فقیرتر را بهبود بخشید فقط در چارچوب تئوریک قابل بحث است و در حیطه سیاست‌گذاری پذیرفتنی نیست.

صدر منوچهری نائینی (۱۳۷۵) در رساله دکتری خود با عنوان عوامل کلان اقتصادی مؤثر بر توزیع درآمد در ایران، از میان انواع مالیات‌ها، نسبت مالیات بر ثروت به کل مالیات‌های مستقیم را عامل مهم و تأثیرگذاری بر توزیع درآمد می‌داند.

ابونوری (۱۳۷۶) با ارائه یک الگوی توزیع درآمد به بررسی اثر نظام مالیاتی و انواع مالیات بر توزیع درآمد پرداخته و با استفاده از روش رگرسیونی، تأثیر عواملی چون تورم، اشتغال، بهره‌وری نیروی کار، سهم درآمد شخصی از تولید ناخالص ملی، هزینه‌های دولت برای هر خانوار و کل دریافتی از هر خانوار را برای دوره زمانی ۷۰-۱۳۵۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. نویسنده ضمن بررسی متغیرهای ذکر شده نتیجه می‌گیرد با یک درصد افزایش مالیات‌های مستقیم، نابرابری به مقدار ۱۳٪ (درصد) افزایش پیدا می‌کند. همچنین به واسطه یک درصد افزایش کل مالیات دریافتی از هر خانوار، ۱۸٪ (درصد) به سطح نابرابری توزیع هزینه‌های دوره بعدی اضافه می‌شود. یعنی مالیات‌ها نه تنها موجب تعدیل نابرابری-ها نشده‌اند، بلکه بر سطح آن افزوده‌اند.

یوسفی (۱۳۷۶) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر سیاست‌های مالیاتی بر توزیع درآمد می‌پردازد. این مقاله، با بررسی همبستگی میان ضریب جینی و نسبت مالیات مستقیم به کل درآمد، به این نتیجه رسیده است که رابطه معنی داری بین این دو متغیر وجود ندارد. هرچند ضریب همبستگی میان این دو منفی است ولی به دلیل پایین بودن مقدار آن، قابل چشم‌پوشی است.

در تحقیق دیگری، خطیب زاده (۱۳۷۷) به بررسی اثر مالیات بر درآمد بر توزیع درآمد با تأکید بر سهم نیروی کار در ایران برای سالهای ۷۵-۱۳۵۵ می‌پردازد. در این تحقیق اثر مالیات بر درآمد با چند

شاخص نابرابری از جمله شکاف طبقاتی و ضریب تغییرات مورد بررسی قرار می‌گیرد. وی در پایان، سهم بالای مالیاتهای غیرمستقیم از کل درآمدهای مالیاتی نسبت به سهم مالیاتهای مستقیم را علت عدم کارایی مالیاتها در توزیع درآمد کشور می‌داند و معتقد است مالیات بر درآمد می‌تواند ابزار قابل توجهی برای تعدیل نابرابری‌های درآمدی باشد، به شرط آنکه ترکیب انواع درآمد در نظر گرفته شود و از طرف دیگر در جهت سالم‌سازی ساختار اقتصادی تلاش شود.

نیلی و فرح‌بخش (۱۳۷۸) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که رشد اقتصادی و توزیع درآمد در یک جهت حرکت می‌کنند. براساس یافته‌های این تحقیق، ابزار مالیاتی جهت توزیع درآمد در ایران کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و به جای آن از سیاستهای یارانه‌ای و مداخله در قیمت‌ها استفاده می‌شود که این امر منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

گیلک حکیم آبادی (۱۳۷۹) در رساله دکتری خود، عنوان می‌کند که سهم مالیات بر شرکتها در مالیاتهای مستقیم بسیار زیاد است و این در حالی است که شرکتها از توانایی انتقال مالیات به مصرف کنندگان محصولات خود برخوردارند. همچنین مالیات بر مشاغل از ظرفیت بالقوه بالایی برخوردار است که موجب افزایش فرار مالیاتی می‌شود. سهم ناچیز مالیات بر ارث را نیز می‌توان از جمله عوامل مؤثر بر ناچیز بودن تأثیر توزیعی مالیات به حساب آورد، زیرا ثروت به عنوان یکی از منابع عمده درآمدی، در عدم توازن درآمدها، نقش مهمی ایفا می‌کند.

اسلامی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان اثر برخی از متغیرهای اقتصادی کلان بر توزیع درآمد با تأکید بر یارانه‌ها، نتیجه‌گیری می‌کند که افزایش متغیرهای اشتغال، مالیات مستقیم سرانه و یارانه سرانه کالاهای اساسی طی دوره ۸۳-۱۳۵۲، باعث کاهش نابرابری، و افزایش متغیرهایی نظیر تولید ناخالص داخلی سرانه و نرخ تورم موجب افزایش نابرابری طی دوره مذکور شده است.

تحقیق دیگری در این زمینه، پایان نامه زمانی (۱۳۸۵) با عنوان تجزیه و تحلیل آثار مالیاتها بر نابرابری اقتصادی در ایران است. این تحقیق تأثیر انواع مالیاتها بر روی بیستکهای درآمدی مناطق شهری و روستایی کشور را با استفاده از الگوی معادلات رگرسیونی به ظاهر نامرتبط (SURE) مورد بررسی قرار داده است. نتایج بدست آمده از این تحقیق حاکی از آن است که مالیاتها در مناطق شهری و روستایی آثار بسیار ضعیفی در جهت توزیع مجدد درآمد از خود بر جای گذاشته است.

ثاقب فرد (۱۳۸۵) در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر توزیع درآمد کوشیده است تا با رویکرد بودجه‌ای و افزایش سطح رفاه اجتماعی بر اساس شاخص توسعه انسانی، تأثیر نظام مالیاتی را بر اهداف بازتوزیعی مورد بررسی قرار دهد. براساس یکی از نتایج بدست آمده از این تحقیق هرگاه درآمدهای مالیاتی یک درصد افزایش یابد از شاخص توسعه انسانی ۷ درصد کاسته می‌شود. بنابراین مالیات‌ها نمی‌توانند در تهیه موارد اساسی چون افزایش قدرت خرید، افزایش امید به زندگانی و شاخص آموزش مؤثر باشند که در نتیجه مالیات‌ها عامل اثر گذار در توزیع درآمد و کاهش نابرابری نیستند. در تحقیقی دیگر با عنوان اثربخشی مالیات بر نابرابری و توزیع درآمد در ایران که توسط اسداله زاده بالی (۱۳۸۶) انجام شده است اثر مالیات بر توزیع درآمد طی دوره (۸۴-۱۳۵۳) را مورد بررسی قرار داده است. این مقاله با استفاده از روش OLS به بررسی تأثیر مالیات بر شاخص توزیع درآمد (ضریب جینی) پرداخته است. نتایج این مقاله حاکی از آن است که با افزایش نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی و کاهش نرخ مالیات مستقیم به مالیات غیرمستقیم، ضریب جینی بهبود می‌یابد.

در مقاله‌ای دیگر با عنوان بررسی اثر مالیات بر توزیع درآمد که توسط غفاری (۱۳۸۶) انجام پذیرفته با استفاده از ماتریس همبستگی و آزمون کا-اسکوئر به این نتیجه دست پیدا کرده که رابطه مالیات و شاخصهای توزیع درآمد معنی دار نمی‌باشد.

داوودی و براتی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با استفاده از مدل اقتصاد کلان سنجی به شبیه‌سازی اثرات سیاستهای اقتصادی بر توزیع درآمد برای سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰، پرداخته‌اند. نتایج شبیه‌سازی نشان می‌دهد که سیاست افزایش درآمدهای دولت (درآمدهای نفتی و مالیاتی دولت) منجر به کاهش نابرابری می‌شود.

۴- بررسی روند مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم و خصوصیات نظام مالیاتی در اقتصاد ایران

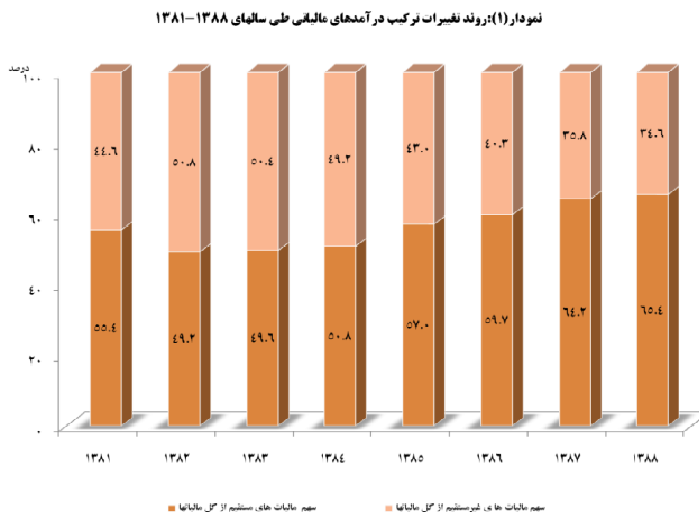
مطالعه سیستم مالیاتی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد نسبت درآمد مالیاتی به GDP به سطح توسعه یافتگی کشورها بستگی دارد. در کشورهای توسعه یافته، سهم درآمدهای مالیاتی از GDP نسبت به کشورهای در حال توسعه بیشتر است که این می‌تواند ناشی از افزایش کارایی در جمع‌آوری مالیات، تغییر ساختار پایه مالیاتی و دیگر عوامل اقتصادی و سیاسی باشد. این نسبت برای اوایل دهه اول قرن

بیست و یکم در کشورهای با درآمدهای بالا به طور متوسط ۳۰ درصد و کشورهای با درآمد متوسط و پایین به ترتیب ۱۷ و ۱۳ درصد است، درحالی که این نسبت برای ایران در این دوره زمانی ۶/۵ درصد است که حتی نسبت به کشورهای با درآمد پایین نیز بسیار کمتر است. وابستگی درآمدهای مالیاتی به نوع مالیات نیز، به سطح توسعه یافتگی کشورها بستگی دارد. کشورهای درحال توسعه سهم بیشتری از مالیات را از مالیات غیرمستقیم و کشورهای توسعه یافته کمترین وابستگی را به این مالیات دارند. آمارهای ارائه شده در (GFS) نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته به ترتیب ۳۲ و ۵۰ درصد از درآمد مالیاتی را مالیاتهای غیرمستقیم تشکیل می‌دهد. سهم مالیاتهای مستقیم از کل درآمدهای مالیاتی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به ترتیب ۳۰ و ۲۰ درصد است. از دلایل اصلی برای اتکای بیشتر کشورهای درحال توسعه به مالیاتهای غیرمستقیم، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اولاً در کشورهای در حال توسعه به دلیل سطح درآمد پایین، پایه مالیاتی کوچک است لذا مالیات غیرمستقیم روش آسان‌تری برای جمع‌آوری درآمد مالیاتی دولت است. ثانیاً، کارایی جمع‌آوری مالیات در کشورهای در حال توسعه ضعیف است. ثالثاً، فرار مالیاتی در کشورهای درحال توسعه بالا است زیرا در این کشورها، بخش اقتصادی غیررسمی که نسبت به بخش رسمی بزرگتر است، از پرداخت مالیات امتناع می‌کند. لذا در این کشورها سهم مالیاتهای غیرمستقیم از کل درآمدهای مالیاتی بیشتر از سهم مالیاتهای مستقیم است.

۴-۱- مقایسه مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم

روند مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم در دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۳۸ بیانگران است که مالیاتهای غیرمستقیم تا سال ۱۳۵۱ نسبت به مالیاتهای مستقیم سهم بیشتری از کل مالیاتها را به خود اختصاص داده است (۷۱/۱٪). از سال ۱۳۵۳ که درآمدهای نفتی دچار جهش شد و آثار خود را در افزایش درآمدها نشان داد سهم و اندازه مالیاتهای مستقیم نسبت به مالیات‌های غیرمستقیم فزونی یافته است. به نحوی که در طول سال‌های ۵۷-۱۳۵۱ این دو نسبت با یکدیگر برابر شده است. پس از انقلاب تا سال ۱۳۷۱ هر دو گروه مالیاتی تقریباً نزدیک به یکدیگر حرکت نموده و از این سال به بعد مجدداً شاهد فاصله گرفتن این دو گروه مالیاتی بوده و مالیاتهای مستقیم سهم قابل توجهی از کل مالیاتها را نسبت به مالیاتهای غیرمستقیم به خود اختصاص داده است. در نگاه نخست می‌توان فاصله گرفتن درآمد مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم را به اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۱۳۶۶ دانست که اجرای آن

از سال ۱۳۷۰ بوده است. در این قانون، نرخ مالیات بر سود شرکت ها تغییر نموده و به شکل تصاعدی تا ۵۴ درصد رسیده است و نرخ های تصاعدی مالیات بر درآمد باعث افزایش درآمدهای مالیاتی مستقیم شده اند. بررسی ترکیب درآمدهای مالیاتی کشور از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ نشان می دهد، که سهم مالیات های غیرمستقیم از ۵۵/۴ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۶۵/۴ درصد در سال ۱۳۸۸ کاهش یافته است. در این دوره توجه دولت و تصمیم گیران اقتصادی کشور از مالیات های غیرمستقیم به سمت مالیات های مستقیم تغییر یافته است، نمودار (۱).



تغییر ترکیب مالیاتی کشور از مالیات های غیرمستقیم به سمت مالیات های مستقیم که برخلاف روند و استراتژی کلی بسیاری از کشورهای جهان (که از دهه ۱۹۷۰ میلادی و با معرفی مالیات بر ارزش افزوده به سمت مالیات های غیرمستقیم حرکت کرده اند) بوده، حاکی از محدود بودن پایه این نوع مالیات ها و عدم امکان افزایش درآمدهای مالیاتی کشور از این طریق تلقی شده است.

۴-۲- بررسی برخی از خصوصیات نظام مالیاتی ایران

به طور کلی، دو پدیده مهم اقتصادی و اجتماعی باعث می شوند نظام مالیاتی کشور کارایی لازم را نداشته باشد و نتواند در جهت بهبود توزیع درآمد عمل نماید. بنابراین در تصمیم گیریه و اصلاحات باید اثرات این پدیده ها مورد توجه قرار گیرد:

۴-۲-۱- ناهمسان بودن بخشهای مختلف اقتصاد و نوع فعالیت اقتصادی در ایران

نوع فعالیت اقتصادی و ناهمسان بودن بخشهای مختلف در مکانیزمهای کسب درآمد در اقتصاد ایران موجب می شود که شناسایی پایه مالیات بر درآمد بسیار مشکل باشد. به عنوان مثال، در بخشهای عمومی به دلیل معین بودن شیوه پرداخت، درآمدهای افراد مشخص و قابل مالیات ستانی است، لیکن در بسیاری از بخشهای غیررسمی با وجود جریانهای درآمدی بالا، امکان شناسایی درآمدهای افراد وجود ندارد. در چنین شرایطی قانون مالیات بر درآمد به خصوص مالیات بر درآمد افراد حقیقی نمی تواند به طور مؤثر عمل کند. با وجود اینکه نرخ تصاعدی در قانون پیش بینی شده ولیکن افراد با درآمدهای مختلف به طور یکسان شناسایی نمی شوند. این شکل از مالیات ستانی مستقیماً ملاک عدالت را در تحلیل مالیات ستانی بهینه تحت تاثیر قرار می دهد. از طرفی ملاک کارایی نیز متأثر از این شکل مالیات ستانی است به این معنا که درآمد مالیاتی به شکل کالای عمومی برای همه افراد جامعه هزینه می شود و حتی افراد ثروتمند بهره مندی بیشتری از کالاها می برند و مالیات ستانی به شکلی تورش دار از نرخ تصاعدی انجام شده و تخصیص منابع را متأثر می سازد، این امر یقیناً کارایی و نهایتاً تابع رفاه اجتماعی را تغییر می دهد. ملاک درآمد- بازده نیز با چنین واقعیتی دست به گریبان است. آنگاه که بخشهای مختلف اقتصاد ناهمسان و فعالیت فعالان اقتصادی غیرمشخص باشد، معلوم نیست که مثلاً یک افزایش در نرخ مالیات بر درآمد می تواند با توجه به هزینه های اداری- اجرایی، عایدی خالص دولت را افزایش دهد یا خیر. همچنین به دلیل آنکه فعالان اقتصادی دریافتی های خود را عمدتاً در فروشگاه- های نه چندان بزرگ و فاقد سیستم ثبت دقیق و مبتنی بر صدور فاکتور خرج می کنند، لذا امکان تشخیص مالیات بر کالا و خدمات نیز به شکل کارآمد وجود ندارد.

۴-۲-۲- توزیع نابرابر درآمد در ایران

در کشورهایی که دولت ها در عرصه مالیات ستانی موفق هستند و مردم از پرداخت مالیات به دولت رضایت دارند، فرهنگ مالیات ستانی و شرایط اقتصادی- اجتماعی آن کشورها به گونه ای است که این تعامل را تسهیل می کند. در رابطه با ایران اختلاف طبقاتی مختلف مردم و توزیع نابرابر درآمدها عملاً اعتبار دولت را در میان عموم مردم با چالش روبه رو کرده است. تحت شرایطی که دولت از اعتبار و تعامل دو طرفه با مردم برخوردار نباشد، گسترش مالیات ستانی امکان پذیر نمی باشد. اعتبار دولت در نتیجه عملکرد آن حاصل می شود. از سویی نوع هزینه های دولت از محل منابع مالیاتی می تواند به بهبود

اعتبار دولت کمک کند و از طرفی دیگر و به شکل مستقیم، چگونگی اخذ مالیات از اقشار مختلف درآمدی جامعه این امر را میسر می‌سازد. پس یک مسأله در مواجهه با اصلاحات مالیاتی، عدم اعتبار دولت در شرایط وجود نابرابری، و مسئله دوم آثار خود به خودی شرایط نامساعد توزیعی است. نتیجه اینکه اصلاحات مالیاتی در ایران باید در چارچوب ملاحظات جدی توزیعی انجام شود و در غیر این صورت شرایط موجود اجتماعی اجازه گسترش پایه‌های مالیاتی بر اساس نگرش مالیات ستانی بهینه را نمی‌دهد.

۵- بررسی تجربی توزیع درآمد در ایران

اقتصاددانان معتقدند، عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاستهای مالیاتی و غیره بر تغییرات توزیع درآمد جامعه در طول زمان مؤثر است. از آنجایی که هدف این مقاله به طور خاص، بررسی اثر سیستم مالیاتی بر توزیع درآمد است لذا در کنار بررسی اثر مالیات های مستقیم و غیرمستقیم عواملی همچون نرخ بیکاری و حداقل دستمزد نیز بر توزیع درآمد بررسی می شود. برای این منظور از ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد استفاده شده است. یکی از اهداف برقراری سیستم مالیاتی، تغییر توزیع درآمد است. چگونگی اثرگذاری سیستم مالیاتی بر توزیع درآمد به نوع سیستم مالیاتی به لحاظ مستقیم و غیرمستقیم بودن آن بستگی دارد. لذا در این مقاله از لگاریتم مالیاتهای مستقیم و لگاریتم مالیاتهای غیرمستقیم استفاده شده است. همچنین از جمله عوامل اقتصاد کلان که می‌تواند بر توزیع درآمد مؤثر باشد، نرخ بیکاری است. انتظار می‌رود که افزایش نرخ بیکاری منجر به بدتر شدن توزیع درآمد شود. زیرا در مراحل اولیه بیکاری، افراد با درآمد پائین تر و نیروی کار ساده بیکار می شوند. هرچند که ارتباط بین توزیع درآمد و نرخ بیکاری غیرخطی است؛ یعنی با افزایش نرخ بیکاری، افراد ماهر، تحصیلکرده و با درآمد بالاتر نیز بیکار می‌شوند و این امر سبب بهبود توزیع درآمد می‌شود. از آنجائی که در اقتصاد ایران، نرخ بیکاری بالاتر از جوامع دیگر و بخصوص کشورهای صنعتی است و همچنین در حال حاضر نوع ساختار بیکاری در اقتصاد ایران به گونه‌ای است که بیشتر افراد تحصیلکرده جامعه بیکار هستند، لذا در مدل حاضر نرخ بیکاری و توان دوم نرخ بیکاری نیز لحاظ شده است. به علاوه تغییرات در بازار کار نیز بر توزیع درآمد مؤثر است. از آنجائی که حجم قابل توجهی از کارگران ساده و غیرماهر و اغلب با درآمد پایین، دستمزدی نزدیک به حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند، لذا افزایش سطح حداقل دستمزد می‌تواند منجر به برابرتر شدن توزیع درآمد و یا به عبارت دیگر بهبود

توزیع درآمد شود. بنابراین در مقاله حاضر، ضریب جینی به عنوان معیاری از توزیع درآمد، تابعی از مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، نرخ بیکاری، توان دوم نرخ بیکاری و سطح حداقل دستمزد در نظر گرفته شده است.

متغیرهای تحقیق به شرح زیر است:

Gini: ضریب جینی (برحسب درصد)

LINDTAX: لگاریتم مالیات های غیرمستقیم (برحسب میلیارد ریال)

LDTAX: لگاریتم مالیات های مستقیم (برحسب میلیارد ریال)

U: نرخ بیکاری (برحسب درصد)

$(U)^2$: توان دوم نرخ بیکاری (برحسب درصد)

LMW: لگاریتم حداقل دستمزد (برحسب ریال)

آمار متغیرهای فوق از ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سالنامه های آماری مرکز آمار ایران سال های مختلف استخراج شده است.

۵-۱- آزمون ریشه واحد

آزمون ریشه واحد دیکی- فولر تعمیم یافته به منظور بررسی ایستایی برای کلیه متغیرهای درون مدل در دوره زمانی ۸۸-۱۳۵۳ انجام شد که نتایج آن در جدول (۱) منعکس شده است. طول وقفه براساس معیار آکائیک (AIC) تعیین می شود. عرض از مبدأ و روند نیز بر اساس آماره t آنها انتخاب شده است. نتایج جدول نشان می دهد کلیه متغیرهای مدل در سطح داده ها ایستا نمی باشند. لیکن تکرار آزمون در مورد تفاضل داده ها نشان می دهد که متغیرها پس از یک بار تفاضل گیری، فرضیه نایستایی را در سطح ۱٪ رد کرده و ایستا می شوند. بنابراین کلیه متغیرهای انتخابی در مدل، انباشته از درجه یک و یا (۱) I می باشند.

جدول (۱): آزمون ریشه واحد دیکی- فولر تعمیم یافته برای سطح و تفاضل داده‌های سری زمانی

متغیر	روند	عرض از مبدأ	طول وقفه	آماره دیکی -فولر	مقادیر بحرانی		
					۱٪	۵٪	۱۰٪
Gini	-	C	۰	-۲.۶۵	-۳.۶۲	-۲.۹۵	-۲.۶۱
LINDTAX	T	C	۰	-۱.۴۵	-۴.۲۷	-۳.۵۵	-۳.۲۱
LDTAX	T	C	۰	-۱.۴۱	-۴.۲۷	-۳.۵۵	-۳.۲۱
U	-	C	۰	-۲.۶۳	-۳.۶۵	-۲.۹۶	-۲.۶۲
(U) ²	-	C	۰	-۲.۴۲	-۳.۶۵	-۲.۹۶	-۲.۶۲
L (MW)	-	-	۱	-۰.۷۹	-۲.۶۴	-۱.۹۵	-۱.۶۲
D(Gini)	-	-	۰	-۰.۷۵	-۲.۶۳	-۱.۹۵	-۱.۶۲
D(LINDTAX)	-	C	۰	-۴.۵۸	-۳.۶۶	-۲.۹۵	-۲.۶۲
D(LDTAX)	-	-	۰	-۴.۱۸	-۲.۶۴	-۱.۹۵	-۱.۶۲
D(U)	-	-	۰	-۴.۴۷	-۲.۶۴	-۱.۹۵	-۱.۶۲
D(U) ²	-	-	۰	-۴.۵۵	-۲.۶۴	-۱.۹۵	-۱.۶۲
D(MW)	-	-	۱	-۲.۷۴	-۲.۶۴	-۱.۹۵	-۱.۶۲

منبع : محاسبات توسط نرم افزار Eviews انجام شده است.

۵-۲- برآورد مدل

همانطور که مشاهده شد، متغیرهای مدل در سطح داده‌ها ایستا نمی‌باشند. لذا به منظور بررسی اثر عوامل مؤثر بر توزیع درآمد از روش همجمعی حداکثر درست نمایی جوهانسون و جوسیلیوس استفاده می‌شود. زیرا آزمون انگل و گرانجر وابسته به فرض نرمال بودن تک بردار همجمعی می‌باشد در حالی که در مدل چند متغیره ممکن است بیش از یک بردار همجمعی وجود داشته باشد. به علاوه قدرت آزمون جوهانسون و جوسیلیوس از آزمون انگل و گرانجر بیشتر است. در ابتدا معیار آکائیک (AIC)، تعداد یک وقفه برای مدل پیشنهاد می‌کند. سپس به منظور مشخص نمودن تعداد بردارهای همجمعی از آزمون حداکثر مقدار ویژه استفاده می‌شود. آزمون مزبور وجود I بردار همجمعی را در مقابل $I+1$ بردار همجمعی مورد آزمون قرار می‌دهد. آماره حداکثر مقدار ویژه وجود یک بردار همجمعی را در سطح اطمینان ۹۹ درصد تعیین می‌نماید (جدول (۲)).

جدول (۲): آزمون حداکثر مقدار ویژه

سطح اطمینان ۱ درصد	سطح اطمینان ۵ درصد	آماره LR	فرضیه H1	فرضیه H0
۹۰.۴۵	۸۲.۴۹	۸۹.۲	r = 1	r = 0
۶۶.۵۲	۵۹.۴۶	۵۳.۹	r = 2	r = 1
۴۵.۵۸	۳۹.۸۹	۳۴.۴	r = 3	r = 2
۲۹.۷۵	۲۴.۳۱	۱۶.۸	r = 4	r = 3
۱۶.۳۱	۱۲.۵۳	۵.۶	r = 5	r = 4

منبع: محاسبات توسط نرم افزار Eviews انجام شده است.

فرم نرمال شده بردار همجمعی بصورت زیر می باشد:

$$\text{Gini} = 0/089 \text{ Log INDTAX} - 0/049 \text{ Log DTAX} + 0/115 \text{ U} - 0/005 (\text{U})^2 - 0/051 \text{ Log MW}$$

آزمون نسبت درست نمایی (LR) معنی دار بودن تمام ضرایب را نشان می دهد. ضریب مالیات های مستقیم و غیرمستقیم مطابق با تئوری است. یعنی با افزایش مالیات های مستقیم، توزیع درآمد بهبود می یابد و برعکس با افزایش مالیات های غیرمستقیم، توزیع درآمد بدتر می شود. همانطور که پیش تر توضیح داده شد، اجزای مالیات های مستقیم یعنی مالیات بردرآمد و مالیات برثروت و مالیات برشرکتها اغلب طبیعت تصاعدی دارند لذا بیشتر بار این مالیاتها بر دوش افراد پردرآمد سنگینی می کند و اگر مالیات بردرآمد شرکتها بصورت تصاعدی باشد و بار این مالیات بر دوش صاحبان سهام تحمیل شود می تواند نقش موثرتری در کاهش نابرابری توزیع درآمد داشته باشد. اما مالیات های غیرمستقیم به دلیل آنکه اغلب طبیعت تنازلی دارند، بار بیشتر این مالیات بردوش افراد کم درآمد سنگینی می کند لذا برقراری چنین مالیاتی تأثیر نامطلوبی بر توزیع درآمد دارد. ضریب نرخ بیکاری نشان می دهد که افزایش نرخ بیکاری منجر به افزایش نابرابری می شود، اگرچه با افزایش نرخ بیکاری این اثر کاهش می یابد. ساختار بیکاری در اقتصاد ایران درحال حاضر به گونه ای است که افزایش مداوم نرخ بیکاری در سالهای اخیر بیشتر بین افراد تحصیل کرده ای است که از شرایط رفاهی بالاتری برخوردار بوده اند، لذا این امر سبب بهبود توزیع درآمد می شود هرچند اثرنرخ بیکاری بر توزیع درآمد، بیشتر از توان دوم آن است. ضریب

لگاریتم حداقل دستمزد نیز مطابق با تئوری است، یعنی با افزایش سطح حداقل دستمزد، کارگران ساده و اقشار کم درآمد از سطح درآمد بالاتری برخوردار می‌شوند و این امر منجر به بهبود توزیع درآمد خواهد شد.

۶ - نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

سیاست‌های مالی دولت قطعاً می‌تواند در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد مؤثر باشد. به عبارت دیگر، دولت می‌تواند به نحوی توزیع مجدد درآمدها را تنظیم نماید که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود یعنی فاصله طبقاتی درآمد بین گروه‌های مختلف جامعه کاهش یابد. اتخاذ سیاست‌های مالیاتی (به عنوان یکی از سیاست‌های مالی دولت) در اقتصاد، می‌تواند کارکردهای متفاوتی داشته باشد؛ از یک طرف منبع درآمد دولت و از طرف دیگر سیاستی جهت تصحیح خطای بازار است و کارکرد سوم که در این مقاله نیز به آن پرداخته شد، ابزاری در جهت بهبود توزیع درآمد است. چگونگی اثرگذاری سیستم مالیاتی بر توزیع درآمد به نوع سیستم مالیاتی به لحاظ مستقیم و غیرمستقیم بودن آن بستگی دارد. لذا هدف این مقاله بررسی اثر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد است که در کنار مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، اثر عواملی همچون نرخ بیکاری و حداقل دستمزد نیز بر توزیع درآمد بررسی شده است. نتایج مدل نشان می‌دهد که مطابق با تئوری، مالیات‌های مستقیم موجب بهبود توزیع درآمد و مالیات‌های غیرمستقیم اثر تخریبی بر توزیع درآمد دارد هر چند که اثر مالیات‌های مستقیم نیز بسیار کوچک است زیرا در بسیاری از بخش‌های غیررسمی با وجود جریان‌های درآمدی بالا، امکان شناسایی درآمدهای افراد وجود ندارد، لذا در چنین شرایطی قانون مالیات بر درآمد به خصوص مالیات بر درآمد افراد حقیقی نمی‌تواند به طور مؤثر عمل کند. همچنین بر اساس انتظار، افزایش نرخ بیکاری منجر به بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود، اگرچه با افزایش نرخ بیکاری این اثر کاهش می‌یابد. از آنجایی که حجم قابل توجهی از کارگران ساده و غیرماهر و اغلب با درآمد پایین، دستمزدی نزدیک به حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند، نتایج مدل نشان می‌دهد که افزایش سطح حداقل دستمزد می‌تواند منجر به برابرتر شدن توزیع درآمد و یا به عبارت دیگر بهبود توزیع درآمد گردد. با توجه به یافته‌های تحقیق، توصیه‌های سیاستی زیر ارائه می‌شود:

۱. دولت می‌تواند با شناسایی فعالیت‌های بخش اقتصاد زیرزمینی گامی در جهت افزایش درآمدهای

مالیاتی بردارد که این امر سبب بهبود ملاک عدالت و کارایی مالیات بر درآمد خواهد شد.

۲. لازم است دولت برنامه‌هایی را جهت افزایش فرصت‌های شغلی، به صورت عملیاتی انجام دهد؛ چرا که در بلندمدت سبب بهبود توزیع درآمد خواهد شد. همچنین هر ساله حداقل دستمزد را براساس نرخ تورم واقعی جامعه تعیین نماید، زیرا نتایج حاصل گویای این مطلب بود که افزایش حداقل دستمزد رابطه مستقیم با بهبود توزیع درآمد دارد.

۳. به منظور بررسی دقیق آثار مالیاتها بر توزیع درآمد بهتر است مخارج دولت (به عنوان متغیر مالی دیگر) نیز در کنار آن در نظر گرفته شود زیرا از یک طرف پرداخت مالیات سبب کاهش قدرت خرید برخی از افراد که دولت در صدد کاهش درآمد آنهاست مؤثر خواهد بود و در مقابل، دولت از طریق مالیاتهای جمع آوری شده با پرداختهای انتقالی خود، درآمد گروههای کم درآمد جامعه را افزایش می‌دهد. نتیجه این سیاست مالی از یک طرف، با مخارج انتقالی دولت، به سود افراد کم درآمد خواهد بود و از طرف دیگر، بار و زیان مالیاتی نیز به افراد پر درآمد تحمیل می‌شود. بررسی توأم منافع ناشی از مخارج و بار ناشی از مالیاتها می‌تواند پیشنهادی برای تحقیق‌های آتی باشد.

فهرست منابع

- ۱- ابونوری، اسماعیل (۱۳۷۶)، «اثر شاخص های یکسان بر توزیع درآمد در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۱.
- ۲- اسداله زاده بالی، میررستم (۱۳۸۶)، «اثر بخشی مالیات بر نابرابری توزیع درآمد در ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش سیاستهای مالی و مالیاتی ایران، سازمان امور مالیاتی کشور، دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی، تهران.
- ۳- اسلامی، سیف اله (۱۳۸۴) «اثر برخی از متغیرهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد با تأکید بر یارانه ها»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد ایران در گام نهم، وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران.
- ۴- برانسون، ویلیام. اچ (۱۳۷۶)، تئوری و سیاستهای اقتصاد کلان، ترجمه دکتر عباس شاکری، نشر نی.
- ۵- پژوهیان، جمشید (۱۳۸۳)، مالیه عمومی، دانشگاه پیام نور.
- ۶- پژوهیان، جمشید (۱۳۸۰)، اقتصاد بخش عمومی (مالیاتها)، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۷- پروین، سهیلا (۱۳۶۸)، «زمینه های اقتصادی فقر در ایران» رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۸- پروین، سهیلا و مرتضی قره باغیان (۱۳۷۵)، «آثار توزیعی مالیات در ایران»، مجله اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
- ۹- پور مقیم، جواد (۱۳۷۸)، اقتصاد بخش عمومی، تهران، نشر نی.
- ۱۰- توکل، محمد (۱۳۷۹)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات بین المللی مالیاتی، دانشکده علوم اقتصادی، تهران.
- ۱۱- داوودی، پرویز و محمدعلی براتی (۱۳۸۶)، «بررسی آثار سیاستهای اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۳، تابستان.
- ۱۲- رنگرز، حسن و غلامحسین خورشیدی (۱۳۷۷)، مالیه عمومی و تنظیم خط مشی مالی دولت، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.

- ۱۳- زمانی، جواد(۱۳۸۵)، «تجزیه و تحلیل آثار مالیاتها بر نابرابری اقتصادی در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- ۱۴- گیلک حکیم آبادی، محمدتقی(۱۳۷۹)، «امکان جایگزینی مالیات بردرآمد با خمس و تبیین آثار آن با برخی متغیرهای کلان اقتصادی»، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- ۱۵- خطیب زاده، مریم(۱۳۷۷)، «اثر مالیات بردرآمد بر توزیع درآمد در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی.
- ۱۶- کميجانی اکبر و فرييا فهميم يحيایي(۱۳۷۰)، «تحليلی بر ترکیب مالیاتها و برآورد ظرفیت مالیاتی ایران»، فصلنامه اقتصاد و مدیریت، بهار و تابستان، شماره ۸ و ۹.
- ۱۷- گرامی، مریم(۱۳۷۶)، «بررسی مالیات بر مصرف در ایران به منظور بسط پایه‌های مالیاتی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- ۱۸- صدرمنوچهری نائینی، علیرضا(۱۳۷۵)، «عوامل کلان اقتصادی موثر بر توزیع درآمد در ایران» رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- ۱۹- طیب نیا، علی(۱۳۸۴)، «مقدمه ای بر اصلاح نظام مالیاتی ایران»، طرح تحقیقاتی، سازمان امور مالیاتی کشور، دفتر طرح مالیات بر ارزش افزوده.
- ۲۰- عرب مازار، علی اکبر(۱۳۸۲)، جستارهایی در سیاست‌گذاری مالیاتی، تهران، دانشکده علوم اقتصادی.
- ۲۱- غفاری، مهناز(۱۳۸۶)، «بررسی اثر مالیات در توزیع درآمد»، مجموعه مقالات اولین همایش سیاستهای مالی و مالیاتی ایران، سازمان امور مالیاتی کشور، دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی، تهران.
- ۲۲- قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با آخرین اصلاحات مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، تهران، انتشارات دانشکده علوم اقتصادی، ۱۳۸۱.
- ۲۳- ناصری گلعداری، رسول(۱۳۷۴)، «نقش مالیات در توزیع درآمد، مطالعه تجربی در خصوص ایران ۷۰-۱۳۵۰»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- ۲۴- نیلی، مسعود و علی فرح بخش، «ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۴ و ۳۵.

- ۲۵- یوسفی، محمدرضا (۱۳۷۶)، «بررسی تاثیر سیاستهای مالیاتی بر توزیع درآمد در ایران»، مجموعه مقالات بررسی فقر و فقرزدایی، جلد دوم، سازمان برنامه بودجه.
- ۲۶- موریس و فیلیپس (۱۳۷۴)، *اقتصاد خرد*، ترجمه دکتر اکبر کمیجانی، موسسه انتشارات و چاپ، دانشگاه تهران.

27- Bird, M. Richard (2005), "Redistribution via Taxation: the limited Role of the personal income tax in Developing Countries", *Internet Document*.

28- Bishop, John A, John p formby, peter lambert (2007), "Redistribution through the income tax: the vertical and Horizontal effect of Noncompliance and tax evasion" Department of Economics, university of newyork, discussion paper number 99/13.

29- CHU, Ke young, Hamid Davoodi, and Sanjev Gupta (2000), "Income Distribution and tax and Government spending policies in developing countries" *IMF working paper* ,100/G2 washington.

30- Damuri, Yose Rizal and Ari A. perdana (2003), "the Impact Fiscal policy on Income Distribution and poverty: A Commutable General Equilibrium Approach for Indonesia", center for strategic and International studies, Jakarta, *Indonesia in its series CSLS Economics working paper series*, number 68.

31- Decoster, Andere (2000), "Redistributive Effects of the shift from personal Income taxes to Indirect taxes: Belgium 1988 – 1999", *Working Group Public Economics in its series working paper series*, CES Number 0007.

32- Engel, M.R.A, "taxes and Income Distribution in Chile" , *NBER working paper* NO. 6828.

33- Erik Borge, Lars and Jorn Rattso (2001), "Income Distribution and tax structure: Microeconomic Test of the Meltzer – Richard Hypothesis", *CES Working paper*, Number 543.

- 34- Fareed M.A. Hassan and Zeljko Bogeti “Distribution of Income and the Income Tax Burden in Bulgaria” *the world Bank, working paper*, number 1421.
- 35- karl opve Aarbu ad thor olav thoresen (2001), “the Norwegian tax reform: Distributional Effects and the high – income Response”, Research department of statistics Norway, *Discussoin papers*, number 207.
- 36- Mehran,Farhad, (1975), “Tax and Income distribution of tax burdens in Iran”, *working paper, WEP. 2/33, WP/33*.
- 37- Moskowitz, David, Davidson college, Davidson , nc(2003) , “the Effectd of the Earned Income Tax Credit on the Distribution of Income”. *Internet Document*.
- 38- Musgrave ,Richard(1959), “The Theory of Public Finance ”,Mc Grow Hill ,Newyork.
- 39- Palm,Marten(1996), “Income Distribution Effects the Swedish 1991 Tax Refor”, *Journal of policy Modeling* 18.4 .419-43.
- 40- Ramirez,Juan f Rubio (2002), “Redistribution and Fiscal policy”, Federal reserve Bank of Atlanta, *working paper*.
- 41- Right, Randle(1995), “taxes redistribution and growth”,department of economics, university of pennsylvania , philadelphia.
- 42- Wu, ximing , Jeffry,M.Perloff, Amos,Golan(2006),“Effects of Taxes and other Government Policies on Income Distribution and Welfare”. *Internet Document*.